

فیشتر منبر

سیره اهل بیت در
ازدواج فرزندان

برای عضویت در کانال محراب کلیک کنید
[@merabnote](#)

محراب

بشر از نخستین روزهای حضور خود بر عرصه خاک، به خوبی دریافته است که خانواده، بهترین کانون برای تبلور سکون و اطمینان است و بسیاری از مشکلات روانی حاصل از تنش‌های زندگی روزمره، توسط یک خانواده سالم و بهنجار التیام می‌یابد و جبران می‌شود. به همین دلیل متفکران اخلاقی و حقوقی جوامع بشری درصدد برآمده‌اند تا بر استحکام این کانون بیفزایند و ازدواج، این سنت تغییرناپذیر الهی را در جامعه هر چه بیشتر تقویت کنند تا انسان‌ها ازدواج را زمینه کسب کمال خویشتن بیابند. بدیهی است برای رسیدن به نتایج مطلوب ازدواج و تشکیل خانواده باید شرایط و ملاک‌های ازدواج مطلوب را رعایت کرد. روشن است که هر ازدواجی نمی‌تواند اهداف پیش‌گفته را تضمین کند. در عصری که با ورود تجملات و آداب غیرضروری و گاهی غلط، ازدواج این سنت مبارک در برخی موارد از مسیر اصلی خود، خارج و چالش‌های زیادی را برای برخی به وجود آورده است. بازخوانی آموزه‌های اسلامی و مراجعه به سخنان و سیره اهل بیت (علیهم السلام) می‌تواند به عنوان الگویی برای ازدواج سالم در نظر گرفته شود و از آنجا که پیشوایان دینی ما هر سخنی که بر

زبان می‌رانند، خود به آن عمل می‌کردند؛ می‌توان به سخنان آنان به عنوان سیره عملی نیز نگاه کرد.

اهمیت ازدواج در اسلام

دین اسلام برای ازدواج، جایگاه و ارزش ویژه‌ای قائل است و تبلور این اهمیت را می‌توان در کلام رسول خدا (صلی الله علیه و اله) یافت که فرموده است: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَعَزَّ مِنَ التَّزْوِيجِ؛ هیچ کانونی در اسلام بر پا نشده است که نزد خداوند از کانون ازدواج محبوب‌تر و عزیزتر باشد». آن حضرت کامل شدن نیمی از ایمان افراد و حفظ دیانت و صیانت از اخلاق و شخصیت افراد را از کارکردهای مهم ازدواج برشمرده و فرموده است: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ نِصْفَ الْإِيمَانِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي؛ هر کس ازدواج کند، نیمی از ایمان خود را کامل کرده است و برای نیم دیگر باید تقوا پیشه کند».

در کلامی از امام صادق (علیه السلام)، خداوند متعال برای تشویق و ترغیب به ازدواج و تشکیل زندگی، برای اعمال عبادی فرد متأهل پاداش‌های ویژه‌ای در نظر گرفته است: «رَكَعَتَانِ يُصَلِّيَهُمَا مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ

مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً يُصَلِّيْهَا غَيْرُ مُتَزَوِّجٍ؛ دو رکعت نمازی که مرد متأهل می خواند، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که مرد مجرد می خواند».

لزوم تحقیقات و دقت قبل از ازدواج

انسان عاقل و دوراندیش، پیش از اقدام به کارهای مهم با کارشناسان و افراد صاحب رأی و تجربه مشورت می کند و ابعاد قضیه را به صورت کامل و دقیق مورد بررسی قرار می دهد تا از خسارت های مادی و معنوی جلوگیری کند و بهترین نتیجه را به دست آورد. ازدواج هم از این امر مستثنی نیست و نیازمند تحقیق و بررسی کامل و مشورت با افراد باتجربه و در این عصر بهره مندی از نظر مشاورین خبره روانشناسی است تا از ضررهای بزرگ مادی و معنوی و حیثیتی جلوگیری نمود. در روایتی آمده است:

وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صل الله عليه و اله) إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَ امْرَأَةً بَعَثَ إِلَيْهَا مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْهَا؛ رسول خدا (صل الله عليه و اله) عموماً در مواردی که قصد ازدواج داشت، ابتدا تحقیق می کرد و کسی را می فرستاد تا بانوی مورد نظر را ببیند و همچنین می فرمود: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَتَزَوَّجَ فَلَا بَأْسَ أَنْ يُولِجَ بَصَرَهُ فَإِنَّمَا هُوَ مُشْتَرٍ؛ هر گاه کسی از شما تصمیم

گرفت ازدواج کند، ایرادی ندارد آن زن را خوب ببیند؛ زیرا وی مشتری است.

خانمی در نامه‌اش می‌نویسد:

نزدیک یک سال پیش با جوانی ازدواج کردم که قبلاً با او آشنایی نداشتم. دو نوبت آمد خانه ما، ولی من آن رو را نداشتم که خوب در او دقت کنم که آیا به عنوان همسر آینده‌ام او را دوست دارم یا نه. با خود می‌گفتم وقتی صیغه عقد خوانده شد، محبت خواهد آمد؛ ولی متأسفانه بعد از عقد که به منزل ما آمد، دیدم اصلاً علاقه‌ای به او ندارم. بعداً موضوع را با خانواده‌ام در میان گذاشتم، ولی با مخالفت شدید آن‌ها روبه‌رو شدم و گفتند: بعداً علاقمند می‌شوی، ولی اکنون که یک سال از ازدواج ما می‌گذرد؛ نه تنها علاقمند نشده‌ام؛ بلکه تحمل دیدن او را ندارم. شوهرم نیز می‌داند که او را دوست ندارم، ولی می‌گوید: من تو را دوست دارم، دیگر لازم نیست که تو مرا دوست داشته باشی و تو را طلاق نخواهم داد. واقعاً دارم از بین می‌روم. چند دفعه خواستم خودم را از بین ببرم، ولی از خدا ترسیدم. زندگی من مثل جهنم

می ماند. می سوزم و می سازم و نمی دانم چه کنم. هر چند تقصیر خود من بود که بدون دقت کافی جواب مثبت دادم.

ملاک‌های انتخاب همسر

انتخاب همسر شایسته ملاک‌هایی دارد که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. دینداری در متون دینی اولین و مهم‌ترین ملاک در انتخاب همسر، دینداری معرفی شده است؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: **وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَآئِمَهُ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ...**؛ و با زنان مشرک و بت‌پرست تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید؛ زیرا کنیز با ایمان از زن آزاد بت‌پرست بهتر است؛ هر چند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد و زنان خود را به ازدواج مردان بت‌پرست تا ایمان نیاورده‌اند، در نیاورید. یک غلام با ایمان از یک مرد آزاد بت‌پرست بهتر است؛ هر چند (مال و موقعیت و زیبایی او) شما را به شگفتی آورد.

پیشوای ششم شیعیان نیز به مردان توصیه می‌کند که در انتخاب همسر، دین و تقوا مهم‌ترین ملاک مد نظر آنان باشد و فقط به خاطر زیبایی یا ثروت با کسی ازدواج نکنند: «إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِمَالِهَا أَوْ جَمَالِهَا لَمْ يُرْزَقْ ذَلِكَ فَإِنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَالَهَا وَ جَمَالَهَا؛ اگر مرد زن را برای زیبایی و یا ثروتش بگیرد، از این هر دو محروم ماند و اگر برای دین و تقوایش بگیرد، خداوند مال و جمال نیز نصیبش گرداند». رسول خدا (صلی الله علیه و اله) با بیان یکی از مصادیق درباره رعایت قید و بندهای شرعی و شخصیت دینی خواستگار فرموده است: «مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ بَعْدَ مَا حَرَّمَهَا اللَّهُ فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يُزَوَّجَ إِذَا خَطَبَ؛ هر کس شراب بنوشد، بعد از اینکه خداوند آن را حرام کرد؛ اگر خواستگاری کرد، شایسته ازدواج نیست».

بنا بر آیه و روایات فوق کسانی که در صدد انتخاب همسر هستند، باید ایمان و دینداری را به عنوان شرط اصلی و ضروری محسوب بدارند و برای یافتن آن، کمال سعی و جدیت را به عمل آورند. والدین پسر و دختر نیز باید در انتخاب همسر برای فرزندان خود، ایمان و دیانت

و تقید به ضوابط و مقررات شریعت را شرط اساسی بدانند و دریافتن چنین فردی به پسر و دخترشان کمک کنند.

۲. اخلاق حسنه اخلاق خوب و حسنه، از ویژگی‌های بسیار مهمی است که داشتن آن می‌تواند مایه قوام و استحکام زندگی شود و خلأ برخی نداشته‌ها را پر کند. از این رو معصومین (علیهم السلام) روی اخلاق خواستگار تأکید زیادی داشته‌اند. نقل است وقتی حسین بن بشار به امام موسی کاظم (علیه السلام) نامه نوشت و از ایشان درباره خواستگاری که فامیل بود و اخلاق بدی داشت، نظر خواست؛ حضرت با صراحت فرمودند: «لَا تُزَوِّجْهُ إِنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ؛ اگر بد اخلاق است، با او ازدواج نکنید». همچنین نقل شده است زنی در دادگاه شکایت کرد که شوهرم همیشه ناهار و شام را بیرون از خانه می‌خورد. شوهر جواب داد: «علت این است که زنم اصلاً با من سازگاری ندارد و بد اخلاق‌ترین زن دنیاست». زن ناگهان خیز برداشت و در حضور اعضای داور، شوهرش را کتک زد.

۳. پاکدامنی و عفت و عفت و پاکی نیز از ملاک‌های مهمی است که در انتخاب همسر باید به آن توجه نمود و غفلت از آن، تبعات منفی زیادی در پی خواهد داشت. عفت به معنای خوشتنداری از شهوت جنسی و نیز خودنگه داری از مال حرام است. امام صادق (علیه السلام) درباره اهمیت عفت و پاکدامنی مادر در شکل‌گیری شخصیت افراد فرموده است: «طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَفِيفَةً؛ خوشا به حال کسی که مادرش پاکدامن باشد».

۴. عقلانیت و تدبیر تربیت فرزندان، مدیریت دخل و خرج‌ها و خریده‌ها، تنظیم روابط و رفت و آمدها، حل بحران‌های خانوادگی و بسیاری از امور دیگر در خانواده‌ها، مستلزم بهره‌مندی از هوش و درایت و خوش‌فکری و تصمیم‌گیری‌های بجا و عقلانی است. از این‌رو در صورتی که شریک زندگی در این زمینه از قدرت کافی برخوردار نباشد، قطعاً در مسیر زندگی مشکلات بزرگی به وجود خواهد آمد که برخی از آنها می‌تواند باعث متلاشی شدن کانون خانواده گردد. از این‌رو امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در سخنی به این مسئله توجه کرده و فرموده است: «إِيَّاكُمْ وَ تَزْوِجَ

الْحَمَقَاءُ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَوَلَدَهَا ضِيَاعٌ؛ با انسان احمق ازدواج نکنید؛ زیرا معاشرت با او بلایی است عظیم و فرزندانش نیز ضایع خواهند شد».

ویژگی‌های خانواده همسر

علم ژنتیک ثابت می‌کند که بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی والدین از طریق وراثت به فرزند منتقل می‌شود؛ از این رو نمی‌توان ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری اشخاص را جدای از خانواده‌ای که در آن رشد و نمو کرده است، مورد بررسی و تحلیل قرار داد. الگوگیری افراد از والدین در طول مدتی که از کودکی تا جوانی نزد آن‌ها سپری می‌کنند، از مواردی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. بسیاری از داشته‌های اخلاقی و ویژگی‌های رفتاری افراد، همان چیزی است که از پدر و مادر خود فرا گرفته‌اند. بنابراین قبل از انتخاب هر فردی برای تشکیل زندگی، باید خانواده وی را مورد بررسی قرار داد؛ زیرا بدون در نظر گرفتن روحیات و فرهنگ یک خانواده نمی‌توان فرزند آن‌ها را برای زندگی مشترک انتخاب کرد؛ چنانکه امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «تَزَوَّجُوا فِي الْحُجْزِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ؛ از خاندان صالح

همسر بگیری که نطفه اثر (پنهانی) دارد (یعنی صفات و حالات والدین از راه نطفه به فرزند می‌رسد)». رسول خدا (صلی الله علیه و اله) نیز جایگاه خانواده را مهم ارزیابی کرده و افراد را از انتخاب همسر از خانواده‌های نامطلوب برحذر داشته و در نظر گرفتن ملاک زیبایی فارغ از جایگاه و موقعیت خانواده را مناسب ندانسته و فرموده است: «أَيُّهَا النَّاسُ إِيَّاكُمْ وَ خَضِرَاءَ الدِّمَنِ؛ ای مردم از گل‌ها و سبزه‌های مزبله‌ها پرهیزید». از حضرت سؤال شد منظور از سبزه‌های مزبله‌ها چیست؟ حضرت فرمود: «الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنَبَتِ السَّوِّ؛ زن زیبا در خانواده بد».

تأخیر نینداختن زمان ازدواج

وقتی انسان به سن جوانی می‌رسد، میل‌ها و خواسته‌هایی درون او شکل می‌گیرد که اگر از راه صحیح خود پاسخ داده نشود، می‌تواند تبعات منفی زیادی در پی داشته باشد و تأخیر انداختن ازدواج برای جوانی که به سن ازدواج رسیده است؛ وی را تحت فشارهای جسمی و روحی قرار خواهد داد. رسول خدا (صلی الله علیه و اله) به جوانی به نام عکاف که بدون عذر ازدواج را تأخیر انداخته بود، قاطعانه فرمود:

«تَزَوَّجْ وَ إِلَّا فَأَنْتَ مِنَ الْمُذْنِبِينَ» ازدواج کن، وگرنه از گنهکاران هستی».

سیره عملی امامان معصوم (علیهم السلام) نیز ازدواج در سن جوانی بوده است. امام سجاد (علیه السلام) در سال ۳۸ قمری در مدینه متولد شد و در ماجرای کربلا که در سال ۶۱ قمری و در ۲۳ سالگی ایشان روی داد، فرزندشان امام محمدباقر (علیه السلام) حدوداً چهار ساله بود. با توجه به این مطالب می‌توان سن ایشان در هنگام ازدواج را حدود ۱۹ یا ۲۰ سالگی تخمین زد.

ولادت امام جواد (علیه السلام) در سال ۱۹۵ قمری و ولادت فرزندش امام علی بن محمد هادی (علیه السلام) در سال ۲۱۲ قمری روی داد و امام جواد (علیه السلام) در سن حدود ۱۷ سالگی ازدواج کرده است. با توجه به ولادت امام حسن عسکری (علیه السلام) فرزند امام هادی (علیه السلام) در سال ۲۳۲ قمری می‌توان به این نتیجه رسید که امام هادی (علیه السلام) در حدود سن ۲۰ سالگی ازدواج کرده است.

یکی از مسائلی که به دستور اسلام در ازدواج باید آن را تعیین و مد نظر قرار داد، مهریه است که مرد برای نشان دادن صداقت و علاقه و تعهد خود برای زندگی و کمک به خانواده عروس، خود را متعهد به پرداخت آن می‌داند. قدرت پرداخت مهریه و استطاعت مالی مرد، از مسائل مهمی است که در تعیین میزان مهریه باید به آن توجه شود و تعیین مهریه‌های سنگین و نجومی که فراتر از توان و قدرت مالی مرد باشد، نه تنها آنگونه که برخی گمان می‌کنند موجب استحکام زندگی نمی‌شود؛ بلکه موجب لطمه زدن به کیان زندگی و گسست روابط می‌گردد. از این رو در سیره معصومین (علیهم السلام) توانایی و استطاعت مالی مرد برای تعیین میزان مهریه در نظر گرفته می‌شد؛ چنانکه امام باقر (علیه السلام) فرموده است: «مَا زَوْجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَائِرَ بَنَاتِهِ، وَلَا تَزَوَّجَ شَيْئاً مِنْ نِسَائِهِ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أُوقِيَةً وَنَشٍّ، الْأُوقِيَةُ أَرْبَعُونَ، وَالنَّشُّ عِشْرُونَ دِرْهَمًا؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای هیچ یک از دختران و زنان خود

بیش از دوازده اوقیه و نش مهریه قرار نداد و اوقیه، چهل درهم و نش، بیست درهم است (که مجموعاً پانصد درهم می‌شود).

هر چند اصل تعیین مهریه از موارد واجب شرعی برای ازدواج است، اما رسول خدا (صلی الله علیه و اله) مهریه کم را یکی از امتیازات زنان دانسته و فرموده است: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ وَجْهًا وَ أَقْلُهُنَّ مَهْرًا؛ بهترین زنان امتم، آنانند که مهرشان کمتر و صورت‌شان زیباتر است». آن حضرت برای ازدواج حضرت امام علی (علیه السلام) و دخترش فاطمه زهرا (علیها السلام) نیز مهریه را معقول و اندک و در حد توان داماد در نظر گرفت؛ به حدی که مورد طعنه بعضی از اصحاب قرار گرفت: «لَمَّا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَاطِمَةَ (علیها السلام) مِنْ عَلِيٍّ (علیه السلام) أَتَاهُ أَنَسٌ مِنْ قُرَيْشٍ فَقَالُوا إِنَّكَ زَوَّجْتَ عَلِيًّا بِمَهْرٍ خَسِيسٍ».

به همان میزان که مهریه‌های معقول و منطقی و مطابق با توان مالی مرد، می‌تواند نشان‌دهنده علاقه و صداقت و تعهد وی نسبت به زندگی باشد و پشتوانه مالی برای زن قرار گیرد؛ تعیین مهریه‌های نامعقول و

فراتر از توان پرداخت، این روزها به عاملی برای جدایی زن و مرد و روی دادن برخی طلاقها تبدیل شده است.

ولیمه عروسی

یکی دیگر از اقداماتی که هنگام عروسی جزو سیره معصومین (علیهم السلام) بوده است، ولیمه دادن به بستگان است. این ولیمه‌ها به‌دوراز تجمل و اسراف و ریخت‌وپاش و باهدف جمع کردن بستگان دور هم و اطعامی ساده برای آنان بوده است؛ چنان‌که امام رضا (علیه السلام) فرموده است: «إِنَّ النَّجَاشِيَّ لَمَّا خَطَبَ لِرَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و اله) أُمَّ حَبِيبَةَ أَمْنَهُ بِنْتُ أَبِي سُفْيَانَ فَرَزَّوَجَهُ دَعَا بِطَعَامٍ وَقَالَ إِنَّ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الْإِطْعَامَ عِنْدَ التَّزْوِيجِ؛ هنگامی که نجاشی، ام‌حبیبه دختر ابو سفیان را برای رسول خدا (صلی الله علیه و اله) خواستگاری کرد و به همسری آن حضرت در آورد؛ سوری ترتیب داد و گفت: از سنت‌های پیامبران سور دادن در ازدواج است». مورد دیگر از ولیمه دادن پیامبر (صلی الله علیه و اله) برای عروسی، هنگامی است که با حفصه ازدواج می‌کرد. در روایت آمده است: «أَنَّ النَّبِيَّ (صلی الله علیه و اله) تَزَوَّجَ حَفْصَةَ أَوْ بَعْضَ أَزْوَاجِهِ فَأَوَّلَمَ عَلَيْهَا بِتَمْرِ وَ

سَوِیق؛ پیامبر (صل الله علیه و آله) چون حفصه یا یکی از دیگر از زنان را گرفت، به مردم خرما و سویق ولیمه داد.

بنابراین، اصل ولیمه دادن امری معمول و پسندیده در سیره حضرات معصومین (علیهم السلام) بوده است، اما امروزه متأسفانه زیاده‌روی‌هایی که در این امور صورت می‌گیرد؛ موجب ایجاد گرفتاری‌های زیادی برای خانواده‌ها به‌ویژه در زمینه اقتصادی شده است تا جایی که انجام برخی مقدمات یا امور مربوط به جشن‌های ازدواج، باعث به حاشیه رفتن اصل تشکیل زندگی مشترک و ازدواج شده است.